

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه قریش

استاد ضرابی آبان ۱۳۹۹

جلسه چهارم ۹۹/۸/۶

آیه شریفه: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳) - پس باید خداوند این خانه را بپرستند
«(۳)»

عنوان: پیام عام و فراگیر

پیام عام در «لایلاف قریش» ضرورت انس و ألفت جمیع عائله بشر بود که در آیه بعد «ایلافهم رحلة الشتاء والصیف» این ضرورت را توضیح می‌دهد که همان ضرورت و نقش مهم انس و ألفت با پروردگار برای سفر بسیار سرنوشت ساز آخرت که نعمت و امنیت مسیر به آن بستگی تام و تمام دارد و با تمرین عشق به مردم در راه خدا بدست می‌آید.

از این رو حرف «ف» که تفریع و ترتب را می‌رساند اول آیه «فلیعبدوا رب هذا البيت» قرار گرفته است. عبادت پروردگار مقصود اصلی و علت غایی این ألفت و سیر و شتاء و صیف و همه چیز است که فرمود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات/۵۶)». امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ مَنْ عَظُمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ، وَكَبُرَ مَوْقِعُهَا مِنْ قَلْبِهِ، أَثَرُهَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا، وَصَارَ عَبْدًا لَهَا - کسی که دنیا در چشم او بزرگ جلوه کند و جایگاه آن در قلبش مهم

باشد، آن را بر خداوند متعال مقدّم می دارد. از همه چیز می بُرد و به دنیا می پیوندد و برده آن می شود!» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹)

گوهر جام جم از کانِ جهانی دگر است تو تمنّا ز گلِ کوزه گران می داری

عنوان: خانه سنگی یا کعبه دل؟

خداوند متعال خود را در آیه مورد بحث به «رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ» وصف نموده است و همه می دانیم که مقصود از «بیت» خانه سنگی نیست بلکه قلبی که جان و حقیقت انسان است؛ به خدا متوجه می شود و به او رو می آورد: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ - من با ایمان خالص روی به سوی خدایی آوردم که آفریننده آسمانها و زمین است و من هرگز از مشرکان نیستم.» (انعام/۷۹) این قلب است که خداوند آن را پرورش می دهد و جان و حقیقت انسان و کعبه دل است که حقیقت این خانه کعبه است. امام جعفر صادق (ع) فرمود: «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ، فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ - دل حرم خداست پس جز خدا را در حرم خدا جای مده.» (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۲۷)

گفته شد که انسان در قلب خود خلاصه می شود و قلب سمت فرمانروایی دارد نسبت به همه قوای دیگر حتی عقل انسان و دلیل واضح آن این است که حتی عقل هم به همان چیزی می اندیشد که برای قلب مهم است و می خواهد. وقتی قلب چیزی را می خواهد به عقل فرمان می دهد که راه وصول به مطلوب من را پیدا کن و به قوّه خیال فرمان می دهد تصویرش را نشان بده و به اعضاء و جوارح فرمان می دهد برای وصول به مطلوب من اقدام کن. خلاصه برای هر قوه ای از قوای خود که همه جنود و لشکریان او هستند وظیفه ای مقرر می کند. فرمانروای وجود انسان قلب اوست.

دل بدست آور که حج اکبر است	از هزاران کعبه یک دل بهتر است
کعبه بنیاد خلیل آذر است	دل گذرگاه جلیل اکبر است
کعبه ی مردان نه از آب و گل است	طالب دل شو که بیت الله دل است

عنوان: نسبت قلب به قوایش نسبت انسان کامل است به همه عالم امکان

نسبت قلب به قوایش نسبت انسان کامل است به همه عالم امکان و ربوبیت حضرت حق در اولین مرتبه مربوط به انسان کامل است، همان صادر اول که سمت خلیفه الهی را دارد و در لسان عرفا به وجود منبسط تعبیر می‌شود که همه موجودات در کتم وجود او هستند و او آنها را احاطه کرده است.

از اینکه خداوند خود را به وصف پروردگار این بیت (کعبه دل) معرفی نموده برای این است که چیزی شایسته‌تر از انسان کامل و خلیفه خدا نیست که حقیقت آن در این قلب خلاصه شده است. برآستی غیر از انسان کامل یا حقیقة الانسان چه چیزی می‌تواند عظمت و حق ربوبیت پروردگار را نشان دهد؟

خورشید آسمان ظهورم عجب مدار ذرات کائنات اگر گشت مظهرم

ارواح قدست چیست؟ نمودار معنیم اشباح انس چیست؟ نگهدار پیکرم

روایتی است از امام صادق علیه السلام که در کتاب معروف مصباح الشریعه نقل شده است. «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ، فَمَا فُقِدَ فِي الْعُبُودِيَّةِ وَجَدَ فِي الرُّبُوبِيَّةِ، وَ مَا خَفِيَ عَنِ الرُّبُوبِيَّةِ أُصِيبَ فِي الْعُبُودِيَّةِ - عبودیت گوهری است که باطن آن ربوبیت است؛ پس، آنچه در عبودیت یافت نشود، در ربوبیت یافت گردد و آنچه از ربوبیت مخفی بماند، در عبودیت به دست آید.» (مصباح الشریعه، ۵۳۶)

جمله عالم چون تن و انسان دل است هر چه می‌جوئی ز انسان حاصل است

هر دو عالم جسم و جاننش آدم است ز آن که آدم اصل جمله عالم است

عنوان: دلیل امر به عبادت

اگر پرسیده شود که چرا خداوند امر می‌کند که بندگان او را عبادت کنند؟ در پاسخ باید گفت اشاره به اسم «رب» و امر به پرستش آن «فلیعبدوا ربّ هذا البیت» برای بیان دلیل این امر الهی است چرا که شأن ربوبیت او اقتضاء دارد که انسان را برای رسیدن به کمال لایق خود بپروراند، خداوند در حدیث قدسی می‌گوید عبادت من برای آن است که شما خلیفه و مثل اعلای من باشید: «عبدی

أَطْعَنِي أَجْعَلْكَ مِثْلِي، أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ أَجْعَلْكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ، أَنَا غَنِيٌّ لَا أَفْتَقِرُ
 أَجْعَلْكَ غَنِيًّا لَا تَفْتَقِرُ، أَنَا أَقُولُ لِلْأَشْيَاءِ كُنْ فَيَكُونُ وَ أَنْتَ تَقُولُ لِلْأَشْيَاءِ كُنْ فَيَكُونُ -
 بندهی من! مرا اطاعت کن تا تو را مثل خود سازم. من زنده ای هستم که نمی
 میرم، تو را هم زنده ای قرار دهم که نمیری. من دارایی هستم که فقیر نمی شوم،
 تو را هم چنان سازم که فقیر نگردی. من هر چه را اراده کنم می شود، تو را هم
 چنان قرار دهم که هر چه اراده کنی بشود. « (الجواهر السنية؛ کلیات حدیث قدسی؛ ص ۷۰۹)
 و همچنین فرموده است: « خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلِكَ - وَ خَلَقْتُكَ لِأَجْلِي؛ تمام اشیا را
 برای تو و تو را برای خود آفریدم» (شرح اصول کافی، ج ۴)

چون تجلی کرد اوصاف قدیم پس بسوزد وصف حادث را گلیم
 در خدا گم شو، کمال این است و بس گم شدن گم کن، وصال این است و بس

عنوان: اراده حق

قلبی که جوهره وجود انسان کامل است بخاطر انس و الفت با حق هرگز اراده
 باطلی ندارد و اراده آن حق است و حق پروردگار اوست. یعنی اراده او اراده
 خداوند است. پس می بینید که همه ماجرای زندگی و حیات انسان بلکه همه
 موجودات در تربیت یافتن این قلب است که حقیقت کعبه است و غایت سیر همه
 موجودات محسوب می شود. امام صادق (ع) می فرماید: «قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ، فَإِذَا
 شَاءَ شَبَّانَا، وَاللَّهُ يَقُولُ: وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ - دل های ما ظروفی برای
 خواست خداوند است. اگر خدا چیزی را اراده کند و بخواهد، ما نیز اراده کرده،
 خواهیم خواست. خداوند متعال می فرماید: و شما نمی خواهید مگر این که خداوند
 بخواهد. « (الغیبه طوسی، ص ۲۴۷)

اگر مراد تو ای دوست بی مرادی ماست مراد خویش دگر باره من نخواهم خواست
 اگر قبول کنی ور برانی از بر خویش خلاف رای تو کردن خلاف مذهب ماست
 میان عیب و هنر پیش دوستان کریم تفاوتی نکند چون نظر به عین رضا است